

متن پرسش

سلام: خسته نباشید استاد. بنده یک طلبه ام خیلی به شما علاقه دارم و شما را استاد خودم می دانم اگر لیاقت داشته باشم. تقریباً در همه امورم هم با شما مشورت دارم. چون آثار شما افق جدیدی به تفکر بنده باز کرد فقط یک مشکلی هست. من می خواهم همانطور که شما فرمودید سیر و سلوک را ذیل شخصیت امام (ره) آغاز کنم با نور انقلاب اسلامی. و فرمایشات آیت الله بهجت (ره) را هم می دانم در این مورد. سخنان شما را هم گوش دادم، ولی تا میایم شروع کنم با جدیت، با مطالعه احوال عرفا، می بینم که همه شان گفتند که باید استاد داشته باشی و گرنه بدبختی راه است و چه و چه... مثلاً حافظ می گوید: ترک این مرحله بی همراهی خضر مکن ظلمات است بترس از خطر گمراهی یا جناب مولوی: هر که گیرد پیشه ای بی اوستا ریشخندی شد به شهر و روستا یا صحبت حتی خود امام (ره) که می فرمایند: بدون استاد شما ممکن است حجاب خود را بزرگ کنید و آنرا خدا پندارید. یا صحبت علامه طباطبایی و علامه حسن زاده و آیت الله جوادی در این رابطه ها... وقتی با این صحبتها روبرو می شوم افکارم متزلزل می شود. بین دو راهی قرار می گیرم و می ترسم که مبادا به هرکدام که بروم گمراه شوم. چون الان هم یافتن استاد کار مشکلی است بقول آیت الله جوادی حفظه الله: آنکه یافت می نشود آنم آرزوست از شما می خواهم در این مورد کمی راهنماییم کنید. من خیلی دوست دارم با سیر شما کاملاً مأنوس باشم. ۲. آیا شما خود کسی را دیده اید که با همین روش سلوکی بدون استاد به جایی که باید رسیده باشد؟ این راهم اگر بگویید باعث دلگرمی بنده می شود. ببخشید طولانی شد. شاگرد کوچک شما. التماس دعا. یاعلی (ع)

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: از یک طرف حضرت امام را مدّ نظر قرار دهید که چگونه توانستند راهی را در این تاریخ نشان جوانان دهند که به قول خودشان ره صد ساله را یک شبه طی کردند و از طرف دیگر سخن آیت الله بهجت را فراموش نکنید که معتقدند در این زمان افرادی مثل جناب عالی در هوشیاری و فهمی هستید که همان می تواند حکم استاد شما را داشته باشد. موفق باشید